

تجلی عاشورا و انقلاب حسینی

در شعر شیعه

دکتر سیدحسین سیدی / هوشنگ استادی

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد / کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

چکیده

این مقاله با بررسی زمینه‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی شعر حماسی - آیینی عاشورایی، دوره شکل‌گیری و تحول آغازین و ساختار آن را تبیین می‌کند و ارزش‌های دینی نهفته در قیام کربلا، همچون استمرار غدیر و ولایت، تولی و تبری، جهاد و شهادت و انتظار را منعکس می‌سازد. در ادامه، شیوه‌های تبلیغ و ترویج آرمان‌های انسانی و اسلامی همانند ظلم‌ستیزی و عدالت‌محوری و اندیشه‌های انقلابی تشیع را مطرح می‌نماید. مقاله حاضر، در موضوعات یادشده، نمونه‌های تأمل‌برانگیز و آموزنده را از گستره ادبیات عربی ارائه می‌دهد و در پایان به بررسی پیامدهای ارزشی و ادبی این شعر می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات عربی، شعر شیعه، شعر عاشورایی، ارزش دینی.

۱. مقدمه

دوره‌های تاریخی شعر حماسی - آیینی عاشورایی در ادبیات عربی

از نظر زمانی شعر عاشورایی را در گستره ادبیات عربی، می‌توان به سه دوره مشخص تقسیم نمود: الف) دوره امامان علیهم‌السلام که با شهادت امام حسین علیه‌السلام در روز دهم محرم الحرام سال ۶۱ هجری آغاز می‌گردد و با غیبت امام مهدی (عج) در سال ۳۲۶ (اوایل قرن چهارم هجری) پایان می‌یابد؛ ب) دوره پس از غیبت که از اوایل قرن چهارم هجری شروع می‌شود و تا پایان قرن سیزدهم هجری ادامه می‌یابد؛ ج) آغاز دوره جدید که از ابتدای قرن چهاردهم هجری آغاز گشته و تا روزگار ما تداوم داشته است (کرباسی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۱۳۵).

۱-۱. دوره امامان علیهم‌السلام

از آن جا که این مرحله، دوره شکل‌گیری و تحول شعر عاشورایی شمرده می‌شود و از جهت بازه زمانی، بخش اعظم خلافت اموی و قسمتی از عصر عباسی را فرا می‌گیرد، نخست چشم‌اندازی کلی و گذرا از اوضاع سیاسی و اجتماعی و ادبی در این دو دوره ارائه می‌گردد، سپس تاریخ، جایگاه و ساختار و مضمون شعر حماسی - آیینی عاشورایی در روند یادشده، بررسی و تبیین می‌شود.

۱-۱-۱. دوره حکومت امویان

الف) **اوضاع سیاسی و اجتماعی و ادبی:** سهل‌انگاری دینی، فساد اخلاقی حاکمان، عرب‌سالاری، احیای ارزش‌های جاهلی، مبارزه با خاندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حادثه خونین کربلا، حمله به شهرهای مقدس مکه و مدینه، گسترش نفوذ اعراب مسلمان و پدیدآوران دستگاه سیاسی جدید، با بهره‌گیری از سیستم ساسانی و رومی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی این دوره به شمار می‌رود (یعقوبی،

[بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۲۳ / بیضون، ۱۹۷۹، ص ۱۵۰-۱۶۰).

ادبیات در این دوره، سخت دچار قیود و جمود و تقلید شد (فاخوری، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۶۶). شعرای بزرگ مجبور بودند برای مذاق‌های عوامانه قبایل، همانند واسطه‌ای عمل نمایند و نوعی ناپهنجاری و لحن و غلط بی‌رویه بر شعرشان حاکم گشت (گیب، ۱۳۶۲، ص ۴۷).

شعر سیاسی این دوره، تصویرگر تفرقه و تعصب قبیله‌ای است و نقایض (جمع نقیضه: نوعی شعر که در آن شاعران معروف مانند جریر و فرزدق و اخطل، به مشاجره لفظی و شکستن و نقض حرمت‌های طرف مقابل می‌پرداختند)، بارزترین نمونه آن شمرده می‌شود (عبدالجلیل، ۱۳۷۳ ش، ص ۷۰-۷۱ / حوفی، ۱۹۷۹ م، ص ۱۹-۲۴) و شعر عاطفی و عاشقانه در دو قالب غزل عذری با ویژگی پاکی عواطف و آراستگی بیان و به نمایندگی شاعران مشهوری همچون جمیل و کنیر و قیس بن ملوح و غزل شهری با گستاخی و بی‌پروایی در تعبیر و در آثار برجسته عمر بن ابی ربیع، عبدالله العرجی، عبدالله بن قیس الرقیات و الاحوص بن محمد الانصاری دومین نمونه شاخص شعر این دوره به شمار می‌رود (ضیف، ۱۹۶۰ م، ج ۲، ص ۱۳۵-۱۵۰ / فاخوری، همان، ص ۱۶۴-۱۶۵).

۱-۱-۲. دوره عباسیان

الف) اوضاع سیاسی و اجتماعی: شکوفایی اقتصادی بغداد - پایتخت عباسیان - و نیز کشورگشایی‌ها، بر گسترش ثروت و دارایی و ایجاد زندگی پرجمع در این شهر دامن زد و باعث شکل‌گیری طبقات مختلف با توانمندی‌های خاص در مرکز خلافت گردید: ۱. طبقه حاکم (متشکل از خلفا، وزیران و امیران)؛ ۲. طبقه میانی و متوسط (تشکیل‌یافته از صنعتگران و بازاریان و کارمندان حکومت)؛ ۳. طبقه فقیر و عوام جامعه (متشکل از بندگان، محرومان، گدایان و کشاورزان) (ضعف، همان، ج ۳، ص ۸۸-۴۴).

ب) **اوضاع فرهنگی و ادبی:** فرهنگ عربی در اثر آمیزش با فرهنگ بیگانه به ویژه ایران و یونان، وسعت گرفت و با گسترش نهضت ترجمه و آفاق فکر غربی، اندیشه‌ها بارور شد و کتابخانه‌های عمومی و مدارس علمی رونق یافت. همه این عوامل به نوعی در ادبیات و شعر عصر عباسی تجلی یافت و بنیان‌های ایجاد مکاتب جدید ادبی و شعری را استوار ساخت (فاخوری، همان، ص ۲۷۴-۲۷۵ / بلاشر، ۱۹۸۴، ص ۱۵۱).

مدح، وصف، رثا، هجا، شعر تعلیمی، زهد و حکمت و غزل، از اغراض شعری مشهور این دوره است و بعتری، ابوتمام، ابن رومی، ابونواس و بشّار بن برد از شاعران برجسته این عصر به شمار می‌آیند (حسین، ۱۹۸۸-۱۹۸۱، ج ۲، ص ۳۴۸-۳۵۳).

۲. شعر حماسی - آیینی عاشورایی: دوره شکل‌گیری و تحول

شعارهای امام حسین علیه السلام - امر به معروف و نهی از منکر، آزادگی، ایثار و فداکاری، پایداری، حق‌طلبی و دفاع از مظلوم و جز آن - شعارهایی بود که در دوره‌های بعد هم در برابر ستمکاران و منحرفان از دین، قابل استناد و پیروی بود. این نکته را نیز باید افزود که امام علیه السلام مشروعیت قیام بر ضد ظالمان را به لحاظ دینی مورد تأیید قرار داد و از این جهت نیز قیام ایشان می‌توانست الگویی مناسب برای دنباله‌روی و تقلید باشد. حادثه کربلا به طور عمده از سوی امام محمدباقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام به صورت یک ارزش مذهبی جاودان درآمد که هم می‌توانست اهداف سیاسی خاص را به تصویر کشد و هم دغدغه‌ها و اندیشه‌ها و آموزه‌های شیعه را در قالب سخنان پرشور، سوگواره‌های مذهبی و زیارت‌نامه‌ها، به نسل‌های آینده منتقل نماید؛ از جمله زیارت وارث که امام حسین علیه السلام را از

زاویه تاریخی و ارزشی، ادامه‌دهنده مسیر پیامبران مطرح می‌سازد. شاعران شیعی نیز تحت تأثیر این رویکرد ائمه علیهم‌السلام در دوره اموی و عباسی، به انعکاس شاعرانه این رخداد مکتبی و ابعاد گوناگون آن در آفریده‌های شعری خود پرداختند و اینگونه، دفاع از حریم ولایت و مقدسات اسلامی که به نحو کامل در قیام امام حسین علیه‌السلام تجلی یافته بود، به شعر شاعران بزرگ شیعی همچون سید حمیری، کمیت اسدی، دعبل خزاعی، منصور نمری، دیک الجن و ابن رومی راه یافت.

۲-۱. رجزها و سوگنامه‌های عاشورایی

به یقین نخستین نشانه‌های این شعر را در رجزها و سوگنامه‌های عاشورایی می‌توان جستجو نمود. پرشورترین این رجزها بر زبان اباعبدالله الحسین علیه‌السلام سالار شهیدان و نزدیکان و یاران باوفای ایشان جاری شد. ساختار این رجزها، ساده و بی‌پیرایه و به دور از تصویرپردازی‌های تکلف‌آمیز شاعرانه، و دورنمای آن نمایانگر مقاومت و پایداری، ایثار و از خودگذشتگی و سرانجام استقبال از شهادت بود. عباس بن علی علیه‌السلام برادر رشید و سردار امام حسین علیه‌السلام در روز تاسوعا، آن‌گاه که ناجوانمردانه و از کمینگاه‌های پنهانی مورد حمله قرار گرفت و طفیل بن حکیم دست راست او را قطع کرد، شمشیر به دست چپ گرفت و این رجز را خواند:

وَاللَّهِ إِنْ قَطَعْتُمْ يَمِينِي
وَ عَنْ إِمَامٍ صَادِقٍ الْيَقِينِ
إِنِّي أَحَامِي أَبَدًا عَنْ دِينِي
تَجَلَّى النَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْأَمِينِ

(قمی، ۱۴۲۱ ق، ۱۳۷۹، ص ۳۰۳)

ترجمه: سوگند به خدا که اگر دست راستم را قطع کنید، بی‌گمان و بی‌هیچ

تردید [برای] همیشه از دین خود پشتیبانی می‌نمایم و از امام راست‌باور (امامی که دارای باور راستین است) زاده (از نوادگان) پیامبر پاک درستکار [حمایت می‌کنم].

و چون دست چپ ایشان بریده شد، فرمود:

يَا نَفْسُ لَا تَخْشِي مِنَ الْكُفَّارِ وَ أَبْشِرِي بِرَحْمَةِ الْجَبَّارِ
مَعَ النَّبِيِّ السَّيِّدِ الْمُخْتَارِ قَدْ قَطَعُوا بِبَعْغِهِمْ يَسَارِي
فَأُضِلُّهُمْ يَا رَبِّ حَرَّ النَّارِ

(قمی، همان، ص ۳۰۴-۳۰۵)

ترجمه: ای نفس! از کافران بیمناک مشو و به رحمت خداوند جبار امیدوار باش. در کنار پیامبر [آن] سرور برگزیده، [کوفیان] با ستم خود، دست چپم را قطع نمودند. پروردگارا! داغی آتش (دوزخ) به ایشان بچشان.

امام حسین علیه السلام هنگامی که پس از شهادت همه یاران و نزدیکان در برابر کوفیان ایستادند، شمشیر آخته در دست و ناامید از زندگی و آماده مرگ، این رجز پرشور و حماسی را بر زبان راندند:

أَنَا بُنُّ عَلَى الطُّهْرِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ كَفَانِي بِهَذَا مَفْخَرًا حِينَ أَفْخَرُ
وَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ أَكْرَمُ مَنْ مَسَى وَ نَحْنُ سِرَاجُ اللَّهِ فِي الْخَلْقِ يَزْهَرُ

(همان، ص ۳۱۹)

ترجمه: من فرزند علی پاک، از خاندان هاشم هستم. مرا هنگام مفاخره، همین افتخار بس است؛ و جدّم پیامبر خدا، بزرگوارترین کسی است که [بر زمین] گام نهاده است و ما چراغ درخشان [هدایت] در میان مردم هستیم.

سپس به سمت راست سپاه یورش بردند و فرمودند:

أَلَمَوْتُ خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ النَّارِ وَ الْعَارُ أَوْلَى مِنْ دُخُولِ النَّارِ

(همان، ص ۳۲۱)

ترجمه: مرگ [نزد من] از پذیرش ننگ و عار بهتر، و ننگ سزاوارتر از وارد شدن در آتش است.

آن‌گاه به جانب چپ حمله کردند و گفتند:

أَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ أَلَيْتُ أَنْ لَأَ أَنْتَنِي
أَخِي عِيَالَتِ أَبِي أَمْضِي عَلَى دِينِ النَّبِيِّ

(همان، ص ۳۲۱-۳۲۳)

ترجمه: من حسین بن علی علیه السلام هستم و بر آن هستم که [از برابر شما کوفیان] روی نگردانم. از خانواده پدرم پشتیبانی می‌کنم و در مسیر دین پیامبر، گام برمی‌دارم.

حضرت علی اکبر (ابوالحسن علی بن الحسین علیه السلام) چون به گاه نبرد، تشنه می‌شد، به سوی خیمه‌ها بازمی‌گشت و شربت‌ی آب از پدر بزرگوار خود طلب می‌نمود و ایشان برای رفع عطش او، نگین انگشتری در دهانش می‌نهاد؛ پس از آن علی اکبر به سوی میدان بازمی‌گشت و این رجز را می‌خواند:

أَلْحَرْبُ قَدْ بَانَتْ لَهُ الْحَقَائِقُ وَظَهَرَتْ مِنْ بَعْدِهَا مَصَادِقُ
وَاللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ لَأُنْفَارِقُ جُمُوعَكُمْ أَوْ تُغَمَدَ الْبَوَارِقُ

(قمی، همان، ص ۲۸۱)

ترجمه: جنگ پرده از حقایق بر می‌گیرد (گوهر مردان را نشان می‌دهد) و گواهی (درستی دعاوی) پس از جنگ آشکار می‌گردد.

به پروردگار عرش سوگند که از این دسته‌های سپاه جدا نمی‌شویم، مگر تیغ‌های [بِزاق] در نیام فرو روند (آرام گیرند).

قاسم بن الحسن علیه السلام نیز پس از آنکه با خواهش و تمنای بسیار از عموی خود - امام حسین علیه السلام - اذن پیکار گرفت، در حالی که از [شادی] اشک بر گونه‌هایش

روان بود و این رجز را بر زبان می‌راند، به سوی میدان جنگ شتافت:

إِنْ تُنْكِرُونِي فَأَنَا ابْنُ الْحَسَنِ سَبِطُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى الْمُؤْتَمَنِ
هَذَا حُسَيْنٌ كَالْأَسِيرِ الْمُرْتَهَنِ بَيْنَ أَتَّاسٍ لَأَسْقُوا صَوْبَ الْمُزَنِ

(همان، ص ۲۹۲)

ترجمه: اگر مرا انکار می‌کنید (مرا نمی‌شناسید)، پس [بدانید] من پسر حسن، نوه پیامبر برگزیده امین و مورد اعتماد، هستم. این حسین است که همچون اسیر و بنده‌ای گروگان، در میان مردمی دیده می‌شود که هیچ‌گاه از بارش ابرها (از باران ابرها) سیراب نگردند.

فاطمه دختر خزام بن خالد ام البنین، همسر علی علیه السلام چون خبر شهادت فرزندان را همراه امام حسین علیه السلام شنید، اینگونه سرود:

كَانَتْ بَنُونَ لِي أَدْعَى بِهِمْ وَالْيَوْمَ أَصْبَحْتُ وَ لَأَمَنَ بَنِينَ
أَرْبَعَةَ مِثْلُ نُسُورِ الرَّبِّي قَدْ وَ اصْلُوا الْمَوْتَ يَقْطَعِ الْوَتِينَ
يَا مَنْ رَأَى الْعَبَّاسَ كَرَّ عَلَيَّ جَمَاهِيرِ النَّقْدِ

(شیر، همان، ج ۱، ص ۷۱)

ترجمه: روزی فرزندان داشتم که مرا به نام آنان (ام البنین) می‌خواندند، ولی امروز دیگر پسرانی ندارم. چهار فرزند چون پرنده‌گانی نیرومند و شکاری بر تپه‌ها داشتم که با بریدن رگ‌های گردن، مرگ را در آغوش گرفتند. چه کسی است که عباس را ندیده باشد که به گروه مردمان پست حمله می‌کرد؟

رباب همسر امام حسین علیه السلام و مادر سکینه و علی اصغر، در مجلس یزید، سر امام حسین علیه السلام را برداشت و آن را بوسید و در دامان گرفت و چنین سرود:

وَاحْسِينًا وَلَا نَسِيتُ حُسِينًا أَقْصَدْتُهُ أَسِنَّةَ الْأَعْدَاءِ
عَادَرُوهُ بِكَرْبَلَاءَ صَرِيحًا لَأَسْقَى اللَّهَ جَائِيَتِي كَرْبَلَاءِ

(امین، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م، ج ۳، ص ۴۹۲)

ترجمه: ای وای حسین! هیچ گاه حسین را از یاد نمی‌برم که تیرهای دشمنان قصد او کردند (به سوی او پرتاب شدند). پیکر او را در کربلا، کشته بر خاک افکندند. هیچ زمان کربلا از بارش ابرها سیراب نگردد.

تصاویر خونبار، جانگداز، شجاعانه و عبرت‌انگیزی که رجزها و سوگنامه‌های عاشورایی از پیکار دلیرانه مردان خدا ارائه کردند، برای همیشه، شاعران متعهد شیعه را وامدار خود ساخت؛ تا آن جا که شعر حماسی - آیینی عاشورایی در سخت‌ترین شرایط، از آزار و شکنجه تا اسارت و کشتار بی‌رحمانه ستمگران و غاصبان، به حیات خود ادامه داد و در گستره ادبیات عربی و فارسی، آثار ماندگار، اثرگذار و ارزشمندی پدید آورد.

۲-۲. شعر حماسی - آیینی عاشورایی: دوره اموی

ابوالاسود دثلی و کمیت اسدی، مشهورترین شاعران شیعی این دوره هستند که در رثای امام حسین علیه السلام شعر سروده، ارزش‌های آیینی و انسانی قیام عاشورا را با زبان حماسی و پرشور به تصویر کشیده‌اند. ابوالاسود در شهادت امام حسین مرثیه‌ای سرود و خواهان تقاص و انتقام از قاتلان او شد (اصفهان، [بی‌تا]، ج ۱۲، ص ۲۱۵):

أَقُولُ وَ ذَاكَ مِنْ جَزَعٍ وَ وَجْدٍ أَرَأَى اللَّهُ مُلْكَ بَنِي زِيَادٍ

(شبر، ۱۹۸۴ م، ج ۱، ص ۱۰۲)

ترجمه: من [پیوسته] با هیجان و بی‌تابی می‌گویم: خداوند ملک فرزندان زیاد را نابود سازد.

هنگامی که کمیت، هاشمیات خود را بر امام محمد باقر علیه السلام خواند، ایشان فرمودند: خداوند! بر کمیت رحمت فرود آر و او را بیامرز (اصفهان، همان، ج ۱۵، ص ۱۲۳):

كَانَ حُسَيْنًا وَ الْبَهَا لَيْلُ حَوْلَهُ لِأَسْيَافِهِمْ مَا يَخْتَلِي الْمُتَقَبَّلُ

(همان، ص ۱۸۱-۱۸۲)

ترجمه: گویا حسین و یاران شیفته پیرامون او، در برابر شمشیرهای آنان، به سبزه‌های دروشده توسط دروگر می‌مانند.

۲-۳. دوره عباسی

رثای حسینی در قالب شعر حماسی - آیینی عاشورایی در اشعار شاعران بزرگ و نام‌آور این دوره، همچون مصعب عبدی کوفی، عنان طایی، سید حمیری، دیک الجن، نمری و ابن رومی، بروز و ظهور می‌یابد و در قصیده تائیه دعبل، به اوج خود می‌رسد. مصعب کوفی (م ۱۷۸ ق) اشک‌های خویش را در کنار فرات، به پیکره‌های در خون‌تپیده خاندان پیامبر تقدیم می‌کند:

وَ أَبَكْتُ عُيُونِي بِالْفِرَاتِ مَصَارِعَ لَيْلِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفِيِّ وَ عِظَامُ

(همان، ص ۱۶۹)

ترجمه: چشمانم در کنار فرات برای پیکره‌های [به خاک و خون تپیده] بزرگان خاندان پیامبر برگزیده، سرشک بارید.

و عفان طایی (م ۱۵۰ ق) اینگونه جانگداز، پیکر پاره‌پاره ابا عبدالله الحسین علیه السلام را به تصویر می‌کشد:

غَدَاةَ حُسَيْنٍ لِلرَّمَا حِ دَرِيَّةً وَ قَدْ نَهَلْتُ مِنْهُ الشُّيُوفُ وَ عَلَّتِ

(شبر، همان، ج ۱، ص ۱۹۲)

ترجمه: بامدادان [پیکر] حسین علیه السلام آماج تیرهای [دشمن] بر خاک افتاده و شمشیرها [از خون او] نوشیده بود و برای نوشیدن دوباره [و سیراب شدن از این آبشخور] فرود می‌آمد.

سید حمیری (م ۱۷۹ ق) نیز زندگی را پس شهادت او، تلخ و خالی از هر گونه لذت می‌یابد:

وَمَا لُدَّ عَيْشُ بَعْدَ رَضِّكَ بِالْجِيَادِ الْأَعْوَجِيَّةِ

(همان، ص ۱۹۸)

ترجمه: زندگی پس از درهم کوبیده شدن [بیکر به خاک و خون تپیده تو] در زیر اسبان اعوجی (با کجی و انحراف در پا) هیچ لذتی ندارد.

و نمری (م ۱۹۰ ق) عزیزترین کسان خویش را فدای شهیدان کربلا می‌سازد:

قَتِيلٌ مَا قَتِيلُ بَنِي زِيَادٍ أَلَّا بِأَبِي وَ أُمِّي مِنْ قَتِيلٍ

(همان، ص ۲۰۹)

ترجمه: چه کشتگانی اند آنان که به دست فرزندان زیاد به قتل رسیدند (هیچ کشته‌ای به پای این کشتگان نمی‌رسد). پدرم و مادرم فدای این چنین کشتگان باد.

دیک الجن (م ۲۳۵ / ۲۳۶ ق) نیز قلب خود را آرامگاه مصیبت‌های خفتگان در قبور کربلا قرار می‌دهد:

يَا عَيْنُ فِي كَرْبَلَا مَقَابِرُ قَدْ تَرَكَنَ قَلْبِي مَقَابِرَ الْكَرْبِ

(همان، ص ۲۸۴)

ترجمه: ای چشم [سرشک‌بار] من! در کربلا قبوری است که دل مرا آرامگاه مصیبت‌های ایشان قرار داده است.

ابن رومی (م ۲۸۳ ق) هم در قصیده جیمیه خود، اقدام جنایتکارانه آل زیاد و بنی عباس را در گوش تاریخ فریاد می‌کشد:

أَكَلَّ أَوَانٍ لِنَبِيِّ مُحَمَّدٍ قَتِيلٌ زَكِيٌّ بِالْذَّمَاءِ مُضَرَّجٌ

(اصفهانی، [بی تا]، ص ۶۴۶)

ترجمه: آیا هرازگاهی باید یکی از فرزندان پیامبر خدا محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پاک و بی‌گناه، کشته شده، در خون خود بغلتد؟!

و سرانجام دعبل خزاعی (م ۲۴۶ ق) در قصیده تائیه خود، جهانی از شور و حماسه و شعور می‌آفریند:

أَفَاطِمٌ قَوْمِي يَا ابْنَ الْخَيْرِ وَانْدِي نَجُومَ سَمَاوَاتٍ بِأَرْضِ فَلَاتٍ

(خزاعی، ۱۴۱۸ ق / ۱۹۹۸ م، ص ۵۵)

ترجمه: ای فاطمه! ای دختر [پیامبر] نیکی! برخیز و بر ستارگان افتاده بر صحرا مویه کن.

شعر عاشورایی با وجود پیروی از سبک‌ها و اغراض شعری رایج در زمان خود، به تدریج زبان و سبک خاصی می‌یابد. در بخش بررسی ساختاری و مضمونی، به این ویژگی‌ها و ارزش‌های نهفته در آن اشاره خواهد شد.

۳. شعر حماسی - آیینی عاشورایی: درونمایه‌های نوین، زبان و ساختار

قیام امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام از یک سو به سبب مطرح ساختن ارزش‌های عام و فراگیر انسانی - عدالت‌محوری، ستم‌ستیزی، آزادی‌خواهی و جز آن - و از سوی دیگر با تبلیغ و ترویج علمی آرمان‌های ماندگار و آموزه‌های شاخص شیعه - ولایت، امامت، غدیر، انتظار، تولی و تبری و جز آن - در ادبیات اسلامی به‌ویژه شعر و نثر شیعه، به سرمشق و الگویی والا و اثرگذار تبدیل شد و از حالت واقعه‌ای در زمانی بیرون آمد و با تعمیم و گسترش، گونه‌ای بی‌زمانی یا فرازمانی در آن لحاظ شد. شعر عاشورایی با تأثیر از این جنبه قیام کربلا، از دوره آغاز شکل‌گیری تا هنگام تحوّل و شکوفایی، با برخورداری از یک زبان فخیم و حماسی - آیینی و مضامین و درونمایه‌های منحصر به فرد، به تدریج ساختار لفظی و معنوی و سبک بیانی

خاص خود را یافت و با خلق آثار و نمونه‌های چشمگیر و قابل اعتنا، زمینه‌ی ایجاد یک مکتب شعری مستقل و الگوپذیری از آن را فراهم ساخت. دو ویژگی زبان حماسی و درونمایه‌ی آیینی، با خلق نمونه‌های ماندگار و ارزشمند، سرمایه و گنجینه‌ی برابر برای تصویرپردازی شاعران متعهد شیعه و زمینه‌ای مناسب برای تحول و پیشرفت رثا آماده و مهیا می‌سازند و اینگونه، شعر عاشورایی لحنی شورانگیز و شیوه‌ای حماسی می‌یابد تا به آوردگاهی کلامی و گفتاری برای اثبات حقِ غضب‌شده‌ی خاندان پیامبر و تبلیغ و انتشار معارف و آموزه‌های رهایی‌بخش ایشان تبدیل شود. در این بخش، با ارائه‌ی مضامین نوین این شعر، زبان و ساختار خاص آن نیز تبیین و بررسی می‌شود.

۳-۱. مضامین و درونمایه‌های نوین

با یادآوری نمونه‌هایی از شعر حماسی آیینی عاشورایی، می‌توان این مضامین و درونمایه‌های نوین را در آنها یافت:

۳-۱-۱. عاشورا، استمرار ولایت و غدیر

کمیت در هاشمیات چنین سروده است:

فَمَا لِي إِلَّا آلَ أَحْمَدَ شِيعَةً وَ مَا لِي إِلَّا مَذْهَبَ الْحَقِّ مَذْهَبُ
بِأَيِّ كِتَابٍ أُمُّ بَيْتَةٍ سُنَّةٍ تَرَى حُبَّهُمْ عَارًا عَلَيَّ وَ تَحْسَبُ
وَ مِنْ أَكْبَرِ الْأَحْدَاثِ كَانَتْ مُصِيبَةً عَلَيْنَا قَتِيلُ الْأُدْعِيَاءِ الْمُحَلَّبُ
قَتِيلُ بَجْنِبِ الطَّفِّ مِنْ آلِ هَاشِمٍ فَيَا لَكَ لَحْمًا لَيْسَ عَنْهُ مُدَبَّبُ
وَ مُنْعَفِرُ الْأَحْدِيثِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ أَلْحَبْدَا ذَاكَ الْجَبِينُ الْمُتَرَّبُ

(شیر، همان، ج ۱، ص ۱۸۱)

ترجمه: مرا دوست و پشتیبان و طرفداری جز آل احمد و مذهبی جز مذهب شیعه نیست. [بر اساس] کدامین کتاب و کدامین سنت، دوستی آنان را از سوی من، عار و ننگ می‌دانی (می‌پنداری)؟ و از بزرگ‌ترین حوادث، مصیبتی بود که بر ما گذشت و آن، پاره‌پاره شدن پیکر شهیدان ما به دست دشمنان بود. پیکری از خاندان هاشم [بر خاک] کربلا افتاد که هیچ مدافع و پشتیبانی نداشت. گونه‌های آن [به خاک درغلتیده] از خاندان هاشم، خاک آلود است؛ آفرین بر آن پیشانی خاک آلود باد!

دعبل نیز در قصیده تائیه خود، استمرار و تداوم یادشده را اینگونه به تصویر می‌کشد:

و لَوْ قَلَّدُوا الْمُؤَصِّیَ إِلَیْهِ أُمُورَهَا لَزُمْتُ بِمَأْمُونٍ عَنِ الْعَتَرَاتِ
فَإِنْ جَحَدُوا كَانُ الْعَدِیرُ شَهِیدَهُ وَ بَدْرٌ وَ أَحَدٌ شَامِخُ الْهَضَبَاتِ
أَفَاطِمُ! لَوْ خَلَّتِ الْحَسِینَ مُجَدَّلًا وَ قَدْ مَاتَ عَطْشَانًا بِسَطِّ فُرَاتِ
إِذَا لَطَمْتِ الْخَدَّ فَاطِمُ عِنْدَهُ وَ أَجْرَيْتِ دَمْعَ الْعَیْنِ فِی الْوَجَنَاتِ
أَفَاطِمُ قُومِیَ یَا ابْنَةَ الْخَیْرِ وَ انْدِی نُجُومَ سَمَآوَاتِ بِأَرْضِ فَلَاةِ

(دعبل، ۱۹۹۸ م، ص ۶۹-۷۰)

ترجمه: اگر زمام امر خلافت را به کسی که [پیامبر] وصیت و سفارش نموده بود، واگذار می‌کردند، بی‌گمان از لغزش‌ها در امان مانده بودند. اگر [ولایت و خلافت] او را انکار کنند، غدیر و بدر و احد با تپه‌های بلند، شاهدان او هستند. ای فاطمه! اگر گمان می‌کردی روزی حسین تو در کنار شط فرات، افتاده بر خاک و تشنه، جان خواهد داد، بر چهره سیلی می‌نواختی (گونه‌ها را خراش می‌دادی) و سیلاب اشک بر گونه‌ها جاری می‌ساختی. ای فاطمه! ای دختر بهترین آفریده خدا! برخیز و بر اختران [سوخته] آسمان [نبوت و امامت] که بر پهنه بیابان

خشک و سوزان فرو افتاده‌اند، مویه کن.

۳-۱۲. **ظلم‌ستیزی و عدالت‌محوری:** انعکاس روحیهٔ پایداری و مقاومت در برابر ستمگران و گرایش به عدالت و برابری، از بنیان‌های همیشگی شعر عاشورایی شمرده می‌شود:

أَصَابُوا بِالتُّرَابِ بَنِي النَّبِيِّ أَلَمْ يَحْزُنْكَ أَنَّ بَنِي زِيَادٍ
عَلَانِيَةً سُوِّفَ بَنِي الْبَغِيِّ وَ أَنَّ بَنِي الْحِصَانِ يَمُرُّ فِيهِمْ

(همان، ص ۱۶۳)

ترجمه: آیا از اینکه فرزندان زیاد، فرزندان پیامبر را به خاک نشاندند و چنین ناپاک زادگان، آشکارا بر آن پاک‌نژاد شمشیر کشیدند، تو را اندوهگین ساخته است؟

یا ابن رومی در قصیدهٔ جیمیهٔ خود، تبعیض و بی‌عدالتی موجود میان فرزندان و وابستگان اهل بیت علیهم‌السلام و امویان را به زیبایی توصیف می‌نماید:

أَفِي الْحَقِّ أَنْ يُمَسَّوْا خِمَاصًا وَ أَنْتُمْ يَكَادُ أَخُوكُمْ بِطَنَّةً يَتَّبَعُجُ
تَمَسُّوْنَ مُخْتَالِينَ فِي حُجْرَاتِكُمْ ثِقَالُ الْخَطَا أَكْفًا لَكُمْ تَتَرَجَّرُجُ
وَلَيْدُهُمْ بَادِي الطَّوَى وَ وَلِيدُكُمْ مِنْ الرِّيفِ رِيَانُ الْعِظَامِ خَدَلَّجُ

(اصفهانی، [بی‌تا]، ص ۶۵۸-۶۵۷)

ترجمه: آیا حق و انصاف است که آنها با شکم گرسنه، شب را به روز آورند،

اما کسان و نزدیکان شما کم مانده است از سیری بترکند؟

شما در میان خانه‌ها و اتاق‌هایتان متکبرانانه گام برمی‌دارید و از شدت فریبهی پاها را سنگین بر می‌دارید و نشیمنگاهتان به هنگام راه رفتن، بالا و پایین می‌رود. کودکان آنها از گرسنگی شکم‌تهی و فرزندان شما دارای استخوان‌های نیرومند و پرگوشت باشند.

۳-۱-۳. تصویرسازی پویا و اثرگذار از مفاهیم آیینی جهاد و شهادت: سفیان بن مصعب عبدی کوفی از شاعران متعهد شیعه در قرن دوم هجری چنین سروده است:

لَقَدْ هَدَّرْ كُنِي رُزءُ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تِلْكَ الرَّزَايَا وَ الْخُطُوبُ عِظَامُ
وَ أَبْكَتْ عُيُونِي بِالْفِرَاتِ مَصَارِعَ لَيْلِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفِيِّ وَ عِظَامُ

(شیر، همان، ج ۱، ص ۱۶۹)

ترجمه: مصیبت خاندان پیامبر، [همه ارکان] وجودم را به لرزه در آورد و این مصیبت‌ها بسیار بزرگ است. چشم‌های من در کنار فرات برای پیکرهای به خون غلغله بزرگان خاندان پیامبر برگزیده، سرشک بارید.

منصور نمری در بیانی شورانگیز، شهادت جانگداز فرزندان پیامبر و آرزوی حضور خود در عرصه جهاد مقدس ایشان را، اینگونه به تصویر می‌کشد:

وَ قَدْ شَرَقَتْ رِمَاحُ بَنِي زِيَادٍ بَرِيٍّ مِنْ دِمَاءِ بَنِي الرَّسُولِ
بَرِئْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ أَصَابِكَ بِالْأَذَاةِ وَ بِالذُّحُولِ
أَلَا لَيْتَنِي وَصَلْتُ يَمِينِي هُنَاكَ بِقَائِمِ السَّيْفِ الصَّقِيلِ
فَجَدْتُ عَلَى السُّيُوفِ بِحَرٍّ وَجْهِي وَ لَمْ أَخْذَلْ بَنِيكَ مَعَ الْخَدُولِ

(همان، ص ۲۱۰-۲۱۱)

ترجمه: نیزه‌های فرزندان زیاد (طرفداران او) از خون فرزندان پیامبر سیراب شدند. ای پیامبر خدا! از همه کسانی که تو را [با این جنایت] آزرده و به دشمنی تو برخاستند، بیزار می‌جویم. ای کاش من در آن جا بودم و قبضه شمشیر تیز و بران را [در یاری تو و فرزندان] به دست می‌گرفتم، و گرمای چهره [برافروخته] ام را به شمشیرهایم بخشیدم [تا با حرارت بیشتر در نبرد شرکت جویند] و با گروه‌خوارکنندگان در عمل [ژشت] خوار کردن فرزندان تو، همراهی نمی‌کردم.

۳-۱۴. حق‌گرایی به جای مصلحت‌طلبی: کمیت در قصیده‌ای از هاشمیت خود بی‌باکانه، با گرایش به حق و دوری از مصلحت‌طلبی، چهره زشت غاصبان خلافت و نیز رفتار ددمنشانه بنی‌امیه را برملا می‌سازد:

فَلَمْ أَبْلُغْ بِهَا لَعْنًا وَ لَكِنْ	أَسَاءَ بِذَاكَ أَوْلَهُمْ صَنِيعًا
فَصَارَ بِذَاكَ أَقْرَبُهُمْ لِعَدْلِ	إِلَى جَوْرِ وَ أَحْفَظَهُمْ مُضِيْعًا
أَضَاعُوا أَمْرَ قَائِدِهِمْ فَضَلُّوا	وَ أَقْوَمُهُمْ لَدَى الْحَدَثَانِ دَرِيْعًا
تَنَاسَوْا حَقَّهُ وَ بَعُؤا عَلَيْهِ	بِلَا تَرَةٍ وَ كَانَ لَهُمْ قَرِيْعًا
فَقُلْ لِبَنِي أُمَّيَّةٍ حَيْثُ حَلُّوا	وَ إِنْ خِفْتَ الْمُهَنْدَ وَ الْقَطِيْعًا

(امینی، ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۵ م، ج ۲، ص ۱۸۰-۱۸۱)

ترجمه: من به آنها لعنت نمی‌فرستم، اما نخستین ایشان، کاری زشت پیشه ساخت (انجام داد) و با این کار، دومین نفر هم که از دیگران به عدل و داد و پاسداری [از حریم آن] نزدیک‌تر می‌نمود، ستمکار شد. اینان، فرمان پیشوای خود را که در رویدادهای روزگار از همه استوارتر و پایمردتر بود، تبه ساختند و به گمراهی در افتادند. حق او را فراموش کردند و بر او ستم روا داشتند؛ با اینکه وی هیچ گناهی نکرده بود و سرور ایشان بود. به بنی‌امیه در هر جا که فرود آمدند، بگو! اگرچه از شمشیر برکشیدن یا راندن آنها هراسان و بیمناک باشی.

۳-۱۵. اشاره و استدلال به وقایع و رخدادهای مسلم تاریخ اسلام: شاعران عاشورایی با تسلط کامل بر رخدادهای مهم تاریخ اسلام، هنرمندانه از آن در راه اثبات فضایل اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بهره برده‌اند:

کمیت چنین سروده است:

وَ رَدَّمْ أَبْوَابَ الَّذِينَ بَنَى لَهُمْ	بُيُوتًا سِوَى أَبْوَابِهِ لَمْ يَرَدَّمْ
---	---

(امینی، همان، ج ۲، ص ۱۹۵)

ترجمه: و جز در خانه او (حضرت فاطمه ع) درهای خانه‌های آنها را که به مسجد گشوده می‌شد، بست (مسدود نمود).

۱۶-۳. زمان‌شکنی و فرازمانی‌بودن در توصیف رخدادها و جهت‌گیری مضامین شعر حماسی - آیینی شیعه (همان شکل تحول‌یافته رثا) به سبب مطرح‌ساختن ارزش‌های عام و فراگیر انسانی، همچون عدالت‌محوری و ستم‌ستیزی و تبلیغ و ترویج آرمان‌ها و آموزه‌های شاخص شیعه، مانند امامت، غدیر، انتظار و جهاد و شهادت، در ادبیات اسلامی و به‌ویژه ادب متعهد شیعه به الگویی برتر تبدیل شد و از یک پدیده در زمانی (محدود به زمان خاص) بیرون آمد و با تعمیم و گسترش، گونه‌ای بی‌زمانی یا فرازمانی در آن لحاظ شد. نمونه‌های یادشده همه به نوعی از این ویژگی برخوردار هستند.

سید حمیری درباره ستایش همیشگی اهل بیت ع چنین سروده است:

فَقُلْتُ دَعِينِي لَنْ أُحِبَّ مِدْحَةً لِيَغَيِّرَهُمْ مَاحِجٌ لِيَلَّهُ أَرْكَبُ

(همان، ص ۲۳۳)

ترجمه: پس گفتم مرا رها کنید تا آن‌گاه (مادام) که حاجیان راهی [زیارت] خانه خدا هستند، جز به ستایش این خاندان، سخن را نمی‌آرایم.

و یا دعبل خزاعی بارش همیشگی اشک را از چشمان خود می‌خواهد و امید آن دارد که پس از پشت سر گذاشتن دوران طولانی ترس و سختی، شفاعت ایشان، نصیب او گردد:

فَيَا عَيْنُ بَكِّيهِمْ وَجُودِي بِعَبْرَةٍ
فَقَدْ أَنْ لِّلْسِكَابِ وَالْهَمَلَاتِ
وَأَيُّ لَأَرْجُو مِنْ بَعْدِ وَقَاتِي
لَقَدْ خَفْتُ فِي الدُّنْيَا وَآيَامِ سَعِيهَا

(دعبل، ۱۹۹۸ م، ص ۴۵)

ترجمه: ای چشم من [در غم آن عزیزان] بی‌دریغ و سخاوتمندانه گریه کن! اکنون هنگام آن رسیده است که سیلاب‌وار و پیوسته سرشک باری. همواره در دنیا و در احاطهٔ روزهای سخت و دشوار آن [از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام] بی‌مناک بوده‌ام و اینک امید آن دارم تا پس از مرگ خود، [در سایهٔ شفاعت ایشان] آرامش و امنیت را دریابم.

۳-۱-۷. تبیین و تبلیغ ارزش‌های ماندگار دینی و ترویج آرمان‌های انقلابی تشیع: امر به معروف و نهی از منکر، حریت و آزادگی، ایثار و فداکاری، وفا و جوانمردی، صبر و شکیبایی، ارزش‌هایی بودند که با قیام عاشورایی جان دوباره گرفتند و با تأثیر در شعر عاشورایی، به آن غنا و تازگی و طراوت بخشیدند. نمونه‌های پیشین و نیز سراسر میمیهٔ کمیت و تائیهٔ دعبل و جیمیهٔ ابن رومی و دیگر سروده‌های عاشورایی در شعر عربی، آکنده از این تصویرسازی‌های درخشان و اثرگذار است.

دعبل اینگونه، دلیل غصب خلافت از سوی سران ستم و شیوهٔ درمان‌ماندن این لغزش را به تصویر می‌کشد:

وَمَا سَهَّلْتَ تِلْكَ الْمَذَاهِبَ فِيهِمْ عَلَى النَّاسِ إِلَّا بَيْعَةَ الْفَلَتَاتِ
وَلَوْ قَلَّدُوا الْمُوصَىٰ إِلَيْهِ أُمُورَهَا لُزِمَتْ بِمَا مُونِ عَلَى الْعَثَرَاتِ

(دعبل، همان، ص ۳۹)

ترجمه: آنچه آن روش‌ها و شیوه‌ها را از سوی ایشان در میان مردم آسان ساخت، تنها آن بیعت ناگهانی و شتاب‌زده بود. اگر زمام امور را به وصی و سفارش‌شدهٔ به آن (علی علیه‌السلام) می‌سپردند، کارها سامان می‌گرفت و از لغزش در امان می‌ماند.

۴. کلمه و کلام در شعر عاشورایی و زبان و ساختار این شعر

کلمه و واژه در فرهنگ وحی، نه یک واحد زبانی صرف که مظهر تجلی اسماء و صفات الهی و واسطه اتصال عالم اصغر با عالم اکبر، آینه منعکس کننده دوام فیض الهی و تداوم سریان زندگی و عشق در همه پدیده‌ها و موجودات هستی است. کلمه شعری در تجربه شاعر شیعی، از مرزهای عادی در می‌گذرد و به همراه تصویر و موسیقی و خیال و عاطفه به دنیایی گام می‌نهد که با روایت پیمان ازلی ولی‌الله و قلب عالم امکان، رایحه ماورایی می‌یابد و زبان و کلام شعر متعهد شیعه را با ساختار لفظی و معنوی خاص، در مسیر راستین خود قرار می‌دهد. از این پس، شعر شیعه با تصویر حماسه عاشورایی کمال می‌یابد و به سبب زبان و قالب ویژه، ارزش‌های والا و درونمایه‌های اعتقادی را با شور و عاطفه و اندوه و نیاز در هم می‌آمیزد و اسطوره‌ای بر گونه حقایق می‌آفریند.

سنت‌شکنی در ساختار، انقلاب در مضمون و درونمایه، صدق عاطفه و شور درونی و هماهنگی کامل زبان تصویری با درونمایه‌ها، از ویژگی‌های برجسته در عرصه زبان و ساختار شعر عاشورایی به شمار می‌رود. مصادیق و موارد انقلاب و نوآوری در مضمون، در بخش بررسی درونمایه‌های نوین شعر حماسی - آیینی عاشورایی گذشت.

۴-۱. سنت‌شکنی در ساختار

کمیت در قصیده میمیه و بایئه خود، سال‌ها پیش از ابونواس - شاعر نوآور عصر عباسی اول - با عدول از یاد اطلال و دمن و سرای محبوب و بادیه و صحرا، به ساختارشکنی در قصیده کهن عربی پرداخت:

مَنْ لِقَلْبٍ مُّتِّمٍ مُّسْتَهَامٍ غَيْرَ مَا صَبَوَةٍ وَ لَا أَحْلَامٍ

(شبر، همان، ص ۱۸۳)

ترجمه: چه کسی به فریاد دل شیفته و مشتاقی می‌رسد که نه به دنبال میل و هوا می‌گردد و نه در پی آرزوست؟

و نیز:

طَرِبْتُ وَ مَا شَوْقًا إِلَى الْبَيْضِ أَطْرَبُ وَ لَأَ لَعِبًا مِنِّي وَ ذُو الشَّيْبِ يَلْعَبُ

(همان، ص ۱۸۵)

ترجمه: با شور و اشتیاق آمدم، اما نه برای خوبرویان سپیداندام. آیا سالخورده‌ای چون من به بازی و سرگرمی مشغول می‌گردد؟! در واقع مقدمه قصاید او، فاقد گریه بر ویرانه‌هاست و تخلصی آغازین به موضوع اصلی قصیده به شمار می‌رود. این رویکرد در آغاز بسیاری از اشعار عاشورایی دوره‌های بعد نیز به چشم می‌خورد.

۲-۴. صدق عاطفه و شور درونی

صدق عاطفه و شور درونی به عنوان یکی از خصایص ذاتی شعر حماسی آیینی عاشورایی، به همراه ساختار لفظی و معنوی و درونمایه و مضامین منحصر به فرد آن، شرر به خرمن جان عاشقان و مشتاقان حسینی علیه السلام می‌زند و با یادآوری سوز عطش در کنار فرات، انتقام الهی و پیام خون شهیدان، این شعر را با شور و شعور، قرین می‌سازد. نمری اینگونه صادقانه و عاشقانه، عاطفه و شور درونی خویش را در توصیف رویداد جانگداز کربلا به تصویر می‌کشد:

مَتَى يَشْفِيكَ دَمْعَكَ مِنْ هَمُولٍ وَ يَبْرُدُ بِقَلْبِكَ مِنْ غَلِيلٍ
أَلَا يَا رَبِّ ذِي حُزْنٍ تَعَايَا بِصَبْرٍ فَاسْتَرَاخَ إِلَى الْعَوِيلِ
قَتِيلٌ مَا قَتِيلُ بَنِي زِيَادٍ أَلَا بِأَبِي وَ أُمِّي مِنْ قَتِيلِ

(همان، ص ۲۰۹)

ترجمه: چه هنگام اشک‌های به‌شدت ریزانت، تو را شفا می‌بخشد و گرمای

[داغ و رنج] قلبت را سرد می‌سازد؟ هان! چه بسا اندوهگین که از صبر و شکیبایی ناتوان گشته و با پناه‌بردن به گریه و شیون [یر تو] آرام و قرار می‌گیرد. چه کشتگانی‌اند! آنان که [به تیغ جور] فرزندان زیاد روی در خاک کشیده‌اند. پدر و مادرم فدای این کشتگان باد.

۳-۴. هماهنگی کامل زبان تصویری (صور خیال) با درونمایه‌ها و مضامین

شعری

این تلفیق و هماهنگی به گونه‌ای است که آرمان‌های ماندگار و اثرگذار اسلامی و انسانی و آموزه‌های خاص مکتب تشیع با حرکتی هدفدار، نظام مستقل و سبک خاص شعر حماسی - آیینی عاشورایی را تحقق می‌بخشد. در نمونه‌های یادشده شعر عربی به خوبی می‌توان این پدیده را دریافت و احساس نمود.

سید رضی در بخشی از مرثیه سوزناک خود - قصیده کربلا - مضامین ماندگار شکیبایی و پایداری مخلصانه و جهاد و شهادت عاشقانه را با توصیف صحنه‌های به یادماندنی و اثرگذار، به گونه‌ای هماهنگ و در قالب تعابیر زیبا و بدیع شاعرانه و آکنده از صور خیال (تشبیه و استعاره) به تصویر می‌کشد؛ تا آنجا که هیچ پیچیدگی بیانی و جدایی تکلف‌آمیزی میان مضمون و ساختار به حریم و ساحت شعری آن راه نمی‌یابد:

وَضُيُوفٍ لِفَلَاةٍ قَفْرَةٍ نَزَلُوا فِيهَا عَلَى غَيْرِ قِرَى
لَمْ يَذُوقُوا الْمَاءَ حَتَّى اجْتَمَعُوا يَحْدَى السَّيْفِ عَلَى وَرْدِ الرَّدَى
تَكْسِفُ الشَّمْسُ شُمُوسًا مِنْهُمْ لَأَتَدَا نِيهَا ضِيَاءً وَعُلَا
وَتَنُوشُ الْوَحْشُ مِنْ أَجْسَادِهِمْ أَرْجُلَ السَّبِقِ وَ أَيْمَانَ النَّدَى

(سید رضی، ۱۹۹۵ م، ج ۱، ص ۴۸)

ترجمه: مهمانانِ صحرایی خشک که بی‌میهمانی در آن فرود آمدند. آب نوشیدند تا با آوای شمشیر به سوی آب‌شخور مرگ رانده شدند. خورشید بدن‌هایی چون خورشید را می‌پوشاند که در علو و بلندمرتگی و نور، به پایه آن نمی‌رسد. وحوش (حیوانات وحشی) از اجساد مقدس آنان، پاهای پیشگامی و دستان بخشندگی را به دندان می‌کشند (به نیش می‌گیرند).

۵. بررسی اغراض، مضمون و ساختار لفظی و معنوی شعر حماسی - آیینی

عاشورایی در گستره ادب عربی

۵-۱. اغراض شعری (مدح، وصف، رثا، هجا)

درست است که همان اغراض شعری کهن، در این شعر نیز وجود دارد، اما نوع و چگونگی بهره‌برداری از این اغراض، جلوه‌ای ویژه و رویکردی متفاوت به آن می‌بخشد. وصف، مدح، هجا و رثا در تاریخ ادبیات عربی از کاربردی ذاتی و ماهوی برخوردار است؛ به این معنی که هر یک از این شیوه‌های شعری، در همان هدف و عنوان کلی - توصیف، ستایش، سرزنش، مرثیه - به کار برده می‌شود، اما در شعر حماسی - آیینی عاشورایی عملکردی ابزاری و آلی می‌یابند و در خدمت اهداف، مضامین و باورهای دینی قرار می‌گیرند. به دو نمونه از این اغراض، با ذکر موارد خاص اشاره می‌شود:

۵-۱-۱. **وصف:** دعبل خزاعی نخست، شب‌هایی را توصیف می‌کند که ماهرویان پرده از رخسار برمی‌گرفتند و او روزها را به سرمستی دیدار آنان پشت سر می‌گذارد:

وَ إِذْ هُنَّ يَلْحَظْنَ الْعُيُونَ سَوَافِرًا وَ يَسْتُرْنَ بِالْأَيْدِي عَلَى الْوَجَنَاتِ
وَ إِذْ كُلُّ يَوْمٍ لِي يَلْحَظِي نَشْوَةً يَبِيْتُ لَهَا قَلْبِي عَلَى نَشْوَاتِ

(دعبل، همان، ص ۳۸)

ترجمه: در آن هنگام (شب‌ها) ماهرویان نقاب از رخسار برمی‌گرفتند و گونه‌ها

را با دست می پوشانند. هر روز دیدگانم سرمست دیدار آنان بود و قلبم به یاد آن مستی‌ها و خوشی‌ها، شب را به روز می آورد.

اما دعبل به دنبال آن، این وصف را زمینه ساز پیمان شکنی دشمنان اهل بیت علیهم السلام قرار می دهد:

هُم نَقَضُوا عَهْدَ الْكِتَابِ وَ فَرَضَهُ
وَ مُحْكَمَهُ بِالزُّورِ وَ الشُّبُهَاتِ

(همان)

ترجمه: آنان پیمان و فرمان قرآن و آیات محکم آن را به دروغ و شبهه افکنی

گسستند.

۵-۱۲. **هجا:** در هجا که شاعران به خود اجازه می دهند در برابر دریافت صله، گستاخانه پرده دری کنند و هر صفت زشتی را بی پروا بر زبان برانند، شاعر شیعی با تصویرسازی‌های بی بدیل، این زشت‌نمایی را با ستم ستمگر و بی عدالتی و فریبکاری او پیوند می دهد تا آرمان خواهی و مقاومت و پایداری را در اندیشه و جان مخاطب خویش زنده نگاه دارد.

ابن رومی در قصیدهٔ جیمیهٔ خود - سروده شده در رثای یحیی بن عمرالحسین -

نخست، تصویری هجوآلود از ستم عباسیان ارائه می دهد:

أَجْنُوا بَنِي الْعَبَّاسِ مِنْ سَنَائِكُمْ وَ شُدُّوا عَلَيَّ مَا فِي الْعِيَابِ وَ أَشْرَجُوا
وَ خَلَوْا وُلَاةَ الشُّوْءِ مِنْكُمْ وَ غَيَّبَهُمْ فَأَخْرَبَهُمْ أَنْ يَغْرُقُوا حَيْثُ لَجَجُوا

(ابن رومی، همان، ص ۶۵۳)

ترجمه: ای بنی عباس! زشتی‌های [کردار] خود را بپوشانید و درپوش‌های [صندوق‌های کینه و دشمنی خود] را ببندید و بند کیسه‌های دشمنی را بکشید و بربندید؛ و فرمانداران بدکردارتان را با گمراهی‌هایشان واگذارید. چه شایسته‌اند در همان منجلاب و باتلاق‌های [بدبختی و گمراهی خویش] فرو روند.

ابن رومی آن‌گاه در بخش‌های پسین، آنان را از فرجام ناخوشایند و سقوط در

ورطه نابودی برحذر می‌دارد و امیدوارانه برپایی دولت حق را به شیعیان نوید می‌دهد:

عُرِرْتُمْ إِذَا صَدَقْتُمْ أَنَّ حَالَةً تَدُومُ لَكُمْ وَ الدَّهْرُ لَوَنَانٍ أَخْرَجُ
لَعَلَّ لَهُمْ فِي مَنْطَوِي الْعَيْثِ ثَائِرًا سَيَسْمُوكُمْ وَ الصُّبْحُ فِي اللَّيْلِ مُوَلِّجُ

(همان، ص ۶۵۴)

ترجمه: فریب خورده‌اید اگر پندارید این فرمانروایی برای شما دوام دارد؛ زیرا دنیا و روزگار دو رنگ سیاه و سفید دارد (گاهی به سود شماست و گاهی به زیانتان). شاید آنها در پایان این دوران بارش (انقلاب و شورش) [دولت] و انتقام‌گیرنده‌ای داشته باشند که بر شما برتری یابند؛ زیرا بامداد از دل تاریکی برمی‌آید.

۵-۲. مضمون و درونمایه

چنانچه در بخش بررسی ساختار و درونمایه شعر عاشورایی گذشت، شاعران متعهد شیعه در این گستره با تأثیر از ابعاد گوناگون حادثه طف و نیز پیروی از تعالیم و آموزه‌های پیشوایان معصوم شیعه علیهم‌السلام، مضامین و معانی نویی درافکندند و با هدفمند و جهت‌دار کردن سروده‌های خود، زمینه شکل‌گیری و تحول شعر حماسی - آیینی عاشورایی را با ویژگی‌های منحصر به فرد و ایجاد مکتب ادبی مستقل شیعه فراهم ساختند. بررسی نمونه‌های یادشده در ادب عربی نشان می‌دهد اشعار عربی - قرن اول تا سوم هجری - با توجه به پیشینه طولانی و توانمند ادبی و پشت سر نهادن دوران شکوفایی و پیشرفت و برخوردارگی از گنجینه‌های پر بار لغوی و نیز تکامل زبان شعری و تجربه کامل قالب‌های عروضی در گستره ایجاد تحول و انقلاب در مضمون به پختگی و انسجام رسیده است.

۵-۳. ساختار لفظی و معنوی

درک ضرورت انتقال و تبلیغ مفاهیم، آموزه‌ها و تعالیم آیینی و عاشورایی از سوی شاعران شیعی و توانایی علمی و ادبی بالای آنان، گزینش و کاربرد این رویکردها را در گستره ساختار لفظی و معنوی امکان‌پذیر ساخت:

۵-۳-۱: کاربرد زبان روزمره: شاعران شیعی با درک موقعیت تاریخی شیعه و فراز و نشیب‌های آن و با توجه به اهمیت فراوان زبان شعر در پاسداری از سنگرهای اعتقادی و انتقال آموزه‌ها و معارف حسینی علیه السلام به نسل‌های آینده، زبان مطمئن و سرشار از واژگان و ترکیبات و اصطلاحات ادیبانه و ویژه خواص را کنار نهادند و به زبان روزمره و متداول در میان مردم روی آوردند که سرشار از سادگی و روانی بود. عقبه بن عمرو و السهمی چنین می‌سراید:

مَرَرْتُ عَلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ بِكَرْبَلَا فَقَاصَ عَلَيْهِ مِنْ دُمُوعِي غَزِيرُهَا

(شبر، همان، ج ۱، ص ۵۲)

ترجمه: در کربلا بر قبر حسین علیه السلام گذشتم و اشک فراوانی از دیدگان من بر تربت [پاک] او فرو ریخت.

و یا کمیت می‌گوید:

ذَهَبَ الَّذِينَ يُعَاشُ فِي أَكْنَافِهِمْ لَمْ يَبَقِ إِلَّا شَامِتٌ أَوْ حَاسِدٌ

(همان، ج ۲، ص ۱۸۴)

ترجمه: کسانی که پناهگاه مردم بودند، رفتند (درگذشتند) و جز سرزنشگر یا حسود، کسی باقی نماند.

این شیوه، با اشعار دیگر شاعران، همچون سید حمیری، دعبل، نمری، ابن رومی و سید رضی استمرار می‌یابد.

۵-۳-۲. آزادی کامل در گستره گزینش واژگان و اجتناب از کاربرد پیرایه‌های لفظی

رایج: رویکرد پیش‌گفته این امکان را در اختیار شاعران شیعی قرار داد تا در حوزه

گزینش واژگان مناسب، به دور از هرگونه مصلحت‌گرایی و ملاحظات ادیبانه یا منازعات رایج در محافل شعری درباری، از آزادی کامل برخوردار باشند و هدف را قربانی و فدای وسیله نسازند و با اجتناب از پیرایه‌ها و آرایه‌های لفظی رایج، در جستجو و بررسی لغوی خود به افراط و تفریط دچار نگردند. کمیت با توجه به این ویژگی می‌سراید:

وَقْتِيلَ بِالطَّفِّ غُودِرَ مِنْهُ بَيْنَ غَوْغَاءِ أُمَّةٍ وَ طَعَامِ

(همان، ج ۱، ص ۱۹۰-۱۹۱)

ترجمه: کشته‌طف (کربلا) که در میان هیاهو و غوغا و جار و جنجال قومی پست [بر زمین تفتیده] رها شده است.

و این سروده دعبل:

تُوَفُّوْا عِطَاشًا بِالْفِرَاتِ فَلَيْتَنِي تَوَفَّيْتُ فِيهِمْ قَبْلَ حِينِ وَفَاتِي

(دعبل، همان)

ترجمه: آنان در کنار فرات تشنه لب جان باختند. ای کاش من نیز پیش از فرارسیدن مرگم، در میان آنان [بودم] و با ایشان جان می‌دادم.

۵-۳-۳. کاربرد واژگان اعتقادی با بار معنایی جدید: یکی از ویژگی‌های برجسته ساختار لفظی و معنوی شعر حماسی آیینی عاشورایی، کاربرد واژگان اعتقادی با معنای جدید، همچون ولی، امام، ثارالله، الوتر الموتور، مهدی، انتظار، حجة الله، بقیة الله و جز آن می‌باشد. کمیت می‌گوید:

وَقَالُوا تُرَابِي هَوَاهُ وَ دِينُهُ بِذَلِكَ أَدَعَى دَبِيْنَهُمْ وَ أَلْقَبُ

(بشر، همان، ج ۱، ص ۱۸۵-۱۸۶)

ترجمه: و گفتند او در عشق و آیینش ترابی است (طرفدار ابوتراب علی ع) و علوی‌مذهب است) و من به همین نام و لقب در میان آنان خوانده می‌شوم. و هم او سروده است:

وَ أَوْجَبَ يَوْمًا بِالْغَدِيرِ وَوَلَايَةَ عَلِيٍّ كُلِّ بَرٍّ مِنْ فَصِيحٍ وَ أَعْجَمٍ

(امینی، همان، ج ۲، ص ۱۹۲)

ترجمه: و در روز غدیر ولایت علی علیه السلام را بر هر نیکوکاری از عرب و عجم واجب فرمود.

دعبل نیز اینگونه درباره مفهوم انتظار می‌سراید:

فَلَوْ لَا الَّذِي أَرْجُوهُ فِي الْيَوْمِ أَوْغَدِي تَقَطَّعَ نَفْسِي إِثْرَهُمْ حَسْرَاتٍ

(دعبل، همان، ص ۴۶)

ترجمه: اگر امیدوار آن کس نبودم که امروز یا فردا خواهد آمد، [بند بند] جانم از حسرت‌هایی که [در فقدان] ایشان ابراز می‌داشتم، از هم می‌گسست.

۴-۳-۵. تشخیص هیئت موسیقایی کلمات و ترکیب آن با ویژگی الهام درونی شاعر: این تشخیص و ترکیب، موجی از اهتزاز و جنبش و شور بیرونی و درونی را در مخاطبان بر می‌انگیزد و آنان را برای همذات‌پنداری و اثرپذیری آماده می‌سازد. دیک الجنّ با توجه به این ویژگی سروده است:

يَا عَيْنُ فِي كَرْبَلَا مَقَابِرُ قَدْ تَرَكَنَ قَلْبِي مَقَابِرَ الْكَرْبِ

(شیر، همان، ج ۱، ص ۲۸۴)

ترجمه: ای چشم [اشک‌ریز من!] در کربلا گورهایی است که آرامگاه‌هایی از محنت و سختی در قلب من بر جای نهاده است.

و یا دعبل با جهت‌دهی این دو خصوصیت می‌سراید:

رَأْسُ ابْنِ بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَ وَصِيَّتِهِ يَا لِلرَّجَالِ عَلَى الْقَنَاةِ يُرْفَعُ

(دعبل، همان، ص ۱۵۰)

ترجمه: وای بر شما مردمان! سر پسر دختر پیامبر و جانشین او، بر نیزه بلند است.

۵-۳-۵. توجه به جنبهٔ دلالی و ارتباطی صور خیال: بر خلاف بسیاری از شاعران برجستهٔ عرب، شاعران عاشورایی برای تحقق آرمان‌های مکتبی و گسترش آموزه‌های حسینی عَلَيْهِ السَّلَام بیشتر به جنبهٔ دلالی و ارتباطی صور خیالی شاعرانه و نه حیثیت استقلالی و ذاتی آن (پرداختن به خصوصیات و پیرایه‌های لفظی و لغوی و تفنن‌های ادبی) اهمیت می‌دادند. دیک الجن سروده است:

كَمْ سَرَقَتْ مِنْهُمْ السُّيُوفُ وَكَمْ
رُوِيَتْ الْأَرْضُ مِّنْ دَمٍ سَرِبٍ

(شیر، همان، ج ۱، ص ۲۸۴)

ترجمه: چه بسیار شمشیر که از [خون] ایشان سیراب شد (با ریختن خون ایشان، درخشیدن گرفت) و چه بسا که زمین از خون روان و جاری [ایشان] آبیاری گشت.

۵-۳-۶. تلفیق و سازگاری میان زبان عاطفی و حماسی و پیوند آن با اندیشهٔ دینی شاعر: در آفریده‌های شعری ادبیات عربی، همواره میان زبان عاطفی و حماسی نوعی گسست و جدایی مشاهده می‌شد؛ چرا که از نظر شاعران، شعر عاطفی با رقت و نازکدلی همراه بود و شعر حماسی با شکوه و فخامت؛ و این هر دو به طور معمول در یک سبک و غرض خاص، قابل جمع نبود؛ اما شعر حماسی - آیینی عاشورایی از یک سو توفیق یافت میان زبان عاطفی و حماسی تلفیق و هماهنگی برقرار سازد و از سوی دیگر توانست با پیوند استوار آن با درونمایه‌های اندیشه‌های دینی، زمینه‌های شکل‌گیری یک سبک شعری مستقل را فراهم نماید.

دعبل در بخشی از قصیدهٔ تائیه، نخست حزن‌آلود و غمگنانه، از تجاوز به حریم خاندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شکایت می‌کند:

وَ آلُ رَسُولِ اللَّهِ تُسَبِّى حَرِيمُهُمْ
وَ آلُ زَيْدٍ رَبَّةُ الْحَجَلَاتِ

(دعبل، همان، ص ۴۶)

ترجمه: به حریم خاندان پیامبر خدا تجاوز می‌شود و خاندان زیاد در حجله‌های [شادمانی و سرور] به سر می‌برند.
سپس با زبانی پرشکوه، نفس خود را به آینده روشن و فرجام نیک، مزده می‌دهد:

فَيَا نَفْسُ طَيِّبِي تُمِّي يَا نَفْسُ أَبْشِرِي فَغَيْرُ بَعِيدٍ مَا هُوَ آتٍ

(دعبل، همان، ص ۴۷)

ترجمه: پس ای نفس! شادمان باش و ای جان! بر تو مزده باد که آنچه آمدنی است، چندان دور نمی‌باشد.

۵-۳-۷: استفاده از تشبیهات تمثیلی برگرفته از آیات قرآنی و معارف دینی: از جمله ویژگی‌های ساختار لفظی و معنوی این شعر، قرارگرفتن تشبیهات تمثیلی برگرفته از آیات قرآنی و معارف دینی در بافت و ساختار هنرمندانه برای اثبات حقانیت خلافت و ولایت سلاله نبوت و انعکاس فضایل ایشان است.

سید حمیری درباره نزول آیه تطهیر و اختصاص آن به اصحاب کساء چنین سروده است:

إِنَّ يَوْمَ التَّطْهِيرِ يَوْمٌ عَظِيمٌ خُصَّ بِالْفَضْلِ فِيهِ أَهْلُ الْكِسَاءِ

(امینی، همان، ج ۲، ص ۳۴۳)

ترجمه: روز [نزول] آیه تطهیر، روز بزرگی است که در آن، آل عبا به برتری و فضل ویژگی یافتند.

و یا کمیت وجوب ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ را اینگونه به تصویر می‌کشد:

عَلَيَّْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ حَقُّهُ مِنْ اللَّهِ مَفْرُوضٌ عَلَيَّ كُلِّ مُسْلِمٍ
وَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَوْصَى بِحَقِّهِ وَ أَشْرَكَهُ فِي كُلِّ حَقٍّ مُقَسَّمٍ

(همان، ص ۲۸۶)

ترجمه: علی علیه السلام امیر و سرور مؤمنان است و حق [ولایت] او از جانب خدا بر هر مسلمانی واجب است. پیامبر خدا به حق او سفارش فرمود و او را در هر حق تقسیم شده‌ای، شریک فرمود.

افزون بر موارد جزئی مذکور، رجزها و سروده‌های مشهور و بلند عاشورایی، مانند هاشمیات کمیت، تأیئه دعبل و جیمیئه ابن رومی - که به برگزیده‌هایی از آن در بخش‌های مختلف مقاله اشاره شد - مصادیق بارز و شواهد صادق تحقق این رویکرد از سوی شاعران متعهد شیعی به شمار می‌روند.

۶. نتیجه

پیامدهای ارزشی و ادبی شعر عاشورایی

شعر حماسی آیینی عاشورایی در روند تکاملی خود، پیامدهای ارزشی و ادبی مهمی برجا نهاد که نخست، شماری از اثرگذارترین آنها مذکور می‌گردد؛ سپس به دو مورد خاص از تحقق این پیامدها در شعر معاصر شیعه (در دو قالب قدیم و جدید) اشاره می‌شود:

۱. حفظ و استمرار ارزش‌ها و آرمان‌های علوی و حسینی و انتقال آنها به نسل‌های آینده؛
۲. تصویرسازی منسجم و اثرگذار از رویدادهای جانگداز کربلا و حفظ و ثبت آنها در حافظه تاریخی شیعه؛
۳. فراهم ساختن زمینه شکل‌گیری شعر حماسی - آیینی عاشورایی که هم ویژگی‌های سنتی رثا را در خود داشت و هم نوآوری‌های شگفت و شورآفرین در آن به چشم می‌خورد؛
۴. دمیدن روحیه مقاومت و پایداری و ایثار در شعر شاعران شیعی و نفوذ آن در زندگی فردی و اجتماعی شیعیان؛

۵. برخورداری از جایگاهی بنیادین در شکل‌گیری مکتب ادبی مستقل شیعه و تأسیس سبک ویژه - با تحول در جهت‌دهی اغراض و انقلاب در مضمون و درونمایه و دگرگونی در ساختار لفظی و معنوی، چنانچه در بخش‌های مربوط به هر یک مذکور گشت - و منحصر به فرد شعری در گستره زبان و ادبیات عربی؛

۶. عامل تبلیغی و ارتباطی مهم مکتب تشیع در عرصه رویارویی و مقابله با دستگاه‌های پرزرق و برق و عظیم تبلیغاتی دشمن؛

۷. سرچشمه همیشه‌جوشان در قلمرو ابداعات و نوآوری‌های شاعرانه و جهت‌بخشی پویا به جریان‌های فکری و ادبی دینی و غیردینی در دوره‌های گوناگون.

شیخ محمدعلی یعقوبی، از اعلام ادب و شاعر معاصر شیعی و عراقی در قصیده‌ای با عنوان «میلاد ابی الشهداء» در یک تابلوی زیبای شاعرانه، در آغاز، خصلت‌های نیکو و جایگاه بلند امام علیه السلام را به تصویر می‌کشد:

أَعِدِ الْأَطْرَفَ دُونَ أَدْنَىٰ عُلَاهُ سَتَرَاهُ يَرْتَدُّ وَ هُوَ كَلِيلُ
سُودِدَ تَقْصُرُ الْكَوَاكِبِ عَنْهُ وَ عَلَىٰ هَامَةِ الضَّرَاحِ يَطْوُلُ

(شبر، همان، ج ۱۰، ص ۱۹۰)

ترجمه: از نزدیک‌ترین نقطه به بلندای [جایگاه] او بنگر؛ نگاهت خسته و ناتوان باز می‌گردد. بزرگی و سیادت [می‌بینی] که [دست] ستارگان از آن کوتاه است و تا اوج کرم و بخشش، امتداد و گسترش دارد.

شاعر به دنبال آن، با اشاره‌ای زیرکانه به مفهوم آب در حماسه ثارالله، مفهوم فداشدن و تقدیم قربانی را مطرح می‌سازد:

لَا تُجَارِي يَدِيهِ نَيْلًا إِذَا مَا طَفَحَتْ دَجَلَةٌ وَفَاقَ التَّيْلُ
قَرَّبَ النَّفْسَ لِيْلِهِ فِدَاءً آيْنَ مِنْهُ الذَّبِيحُ إِسْمَاعِيلُ

(همان)

ترجمه: دجله و نیل آن‌گاه که [خروشان از بستر خویش] لبریز شوند و فیضان کنند، به بخشش دستان او نتوانند رسید. جان خویش را فدا و قربانی معبود خود ساخت. این فدایی کجا و اسماعیل ذبیح کجا؟
 ادونیس - شاعر شیعی و معاصر سوری - در تصویری آکنده از حزن و اندوه و درد و با زبانی شورانگیز و حماسی، تنهایی و غربت و بی‌یاوری امام حسین علیه السلام را در زیر زخم شمشیر و تیغ و تیر دشمن و همراهی و خضوع پدیده‌های هستی را در برابر او، عاشقانه می‌سراید:

وَحَيْثَمَا اسْتَقَرَّتِ الرَّمَاحُ فِي حُشَاشَةِ الْحُسَيْنِ
 وَ اَزْيَبْتَنَّتْ بِجَسَدِ الْحُسَيْنِ
 وَ دَاسَتْ الْخِيُولُ كُلَّ نُقْطَةٍ فِي جَسَدِ الْحُسَيْنِ
 وَ اسْتُيْلَتْ وَ سُرِقَتْ مَلَابِسُ الْحُسَيْنِ
 رَأَيْتُ كُلَّ حَجَرٍ يَحْنُو عَلَى الْحُسَيْنِ
 رَأَيْتُ كُلَّ زَهْرَةٍ تَنَامُ عِنْدَ كَتِفِ الْحُسَيْنِ
 رَأَيْتُ كُلَّ نَهْرٍ يَسِيرُ فِي جَنَازَةِ الْحُسَيْنِ.

(رجایی، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۶۳)

ترجمه: چون نیزه‌ها بر جان حسین علیه السلام نشست و آرام و قرار گرفت، و با پیکر حسین علیه السلام آراسته و تزیین شد، و اسبان جای‌جای پیکر حسین علیه السلام را در زیر سم خود [لگدکوب] کردند، و جامه‌های حسین علیه السلام ربوده [و میان دشمنان] تقسیم شد، هر سنگ را دیدم که به حسین علیه السلام مهر می‌ورزد، و دیدم هر گل کنار حسین علیه السلام می‌آرمد، و هر رود را دیدم که ورای پیکر حسین علیه السلام، روان و جاری است.

منابع

۱. اصفهانی، ابوالفرج؛ الاغانی؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی تا].
۲. _____؛ مقاتل الطالبیین؛ بیروت: دارالمعرفة، [بی تا].
۳. امینی، عبدالحسین؛ الغدير؛ قم: مركز الغدير للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۶ ق / ۱۹۹۵ م.
۴. بلاشر، رژی؛ تاریخ الادب العربی؛ ترجمه ابراهیم کیلانی؛ دمشق: دارالفکر، ۱۹۸۴ م.
۵. بیضون، ابراهیم؛ ملامح التيارات السياسية فی القرن الاول الهجری؛ بیروت: دارالنهضة العربیة، ۱۹۷۹ م.
۶. حسین، طه؛ من تاریخ الادب العربی؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۱-۱۹۸۸ م.
۷. حوفی، احمد محمد؛ ادب السياسة فی العصر الاموی؛ قاهره: دارالنهضة، ۱۹۷۹ م.
۸. خزاعی، دعبل بن علی؛ دیوان شعر؛ شرح مجید الطراد؛ بیروت: دارالجيل، ۱۹۷۸ م.
۹. رجایی، نجمه؛ شعر و شرر؛ مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۲.
۱۰. رضی، محمد بن الحسین؛ دیوان شعر؛ شرح دکتر یوسف شکری فرحات؛ بیروت: دارالجيل، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م.
۱۱. شبر، جواد؛ ادب الطف؛ بیروت: دارالمرتضی، ۱۹۸۸ م.
۱۲. ضیف، شوقی؛ تاریخ الادب العربی؛ قاهره: دارالمعارف، ۱۹۶۰ م.
۱۳. عبدالجلیل، ج. م؛ تاریخ ادبیات عرب؛ ترجمه آذرتاش آذرنوش؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. فاخوری، حنا؛ تاریخ ادبیات زبان عربی؛ ترجمه عبدالمحمد آیتی؛ تهران: توس، ۱۳۷۶.
۱۵. قمی، عباس؛ نفس المهموم؛ قم: ذوی القربی، ۱۴۲۱ ق / ۱۳۷۹ ش.
۱۶. کرباسی، محمدصادق محمد؛ دائرةالمعارف الحسينیة؛ لندن: المركز الحسينی للدراسات، ۱۴۲۱ ق.
۱۷. گیب، آلکساندر راسکین؛ درآمدی بر ادبیات عرب؛ ترجمه یعقوب آژند؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
۱۸. یعقوبی، احمد بن اسحاق؛ تاریخ یعقوبی؛ قم: مؤسسه و نشر فرهنگ اهل بیت، [بی تا].